



Ն.Ս.Օ.Տ.Տ.
 ԳԱՐԵԳԻՆ Ա
 ԸՆՏՐԿԵՑ ԱՄԵՆԱՅՆ
 ՀԱՅՈՑ ԿԱԹՈՂԻԿՈՍ
 Շնորհավոր
 Համայն Հայության
 Մաղթենք, որ Նրա
 Ս. Գահակայության
 Շրջանին
 Հայոց Առաքելական
 Նվիրապետական
 Եկեղեցին Միավորվի
 Ս. Էջմիածնի
 Գերակայությամբ

ՄՅՍ ՀԱՄԱՐՈՒՄ...

- * Ս. ԷԶՄԻԱԾՆԻ ՄԻԱԲԱՆ
 Տ. ՈՍԿԱՆ ԱՐՔ.
 ԳԱԼՓԱԹՅԱՆԸ ԻՐԱՆՈՒՄ
- * ԻՐԱՆ-ՀԱՅԱՍՏԱՆ
 ՀԱՐԱԲԵՐՈՒԹՅՈՒՆՆԵՐԻ
 ԸՆԴԱՅՆՈՒՄ
- * ՈՎ ՍՊԱՆԵՑ ՀԱՄԲԱՐՉՈՒՄ
 ԳԱԼՏՅԱՆԻՆ
- * ԱՍՈՒԼԻՍ ԱԶՄԱԴ
 ՆՈՒՐԻԶԱԴԵԻ ՀԵՑ
- * ՎԱՍՆ ՀԱՄԱՍՓՅՈՒԹՅԱԶԱՅ
 ԸՈՆԿՐԵՍԻ
- * ԳՐԱԿԱՆ ԿԱՆԳԱՌ

بررسی ویژگیهای ارمنی غربی و رابطه آن با زبان فارسی

دکتر سجادیه

دکتر سجادیه

کتاب جالب دستور زبان مقدماتی ارمنی غربی نوشته کنورگ گولیان می باشد که چاپ سوم آن در سال ۱۹۷۷ در ایالات متحده آمریکا بوسیله انتشارات اونگارد منتشر شد. اگر چاپهای بعدی از این کتاب موجود باشد از اطلاع نگارنده خارج است اما همین سه چاپ نشان می دهد که علاقمندان به فراگیری دستور زبان و اصول ارمنی غربی (اعم از ارمنیان مقیم آمریکا و خارج آن و غیر ارمنیان) کم نیستند.

نکته مهم در مورد این کتاب این است که خواننده انتظار دارد در جوامع ارمنی غربی که با ایران فاصله زیادی یافته اند با انبوهی از واژه های عربی و ترکی و انگلیسی روبرو شود حال آنکه با شمار قابل ملاحظه ای واژه های مشترک روبرو می گردد تعبیر این امر در این است که اولاً آرامنه ریشه های تاریخی خود را با چنگ و دندان حفظ کرده و حتی الامکان تحت تأثیر زبان و فرهنگ ترکی و عربی و انگلیسی و فرانسه قرار نگرفته اند و دیگر اینکه مناطق ترکیه و لبنان و اصولاً امپراطوری عثمانی سابق در زمان مهاجرت این اقوام و یا در زمان اقامت آنها از کانونهای گسترش زبان فارسی بوده (بعکس امروز که فارسی ستیزی در دیار ترکیه و کم و بیش مناطق عرب زبان راه یافته است).

من در این مقاله به برخی مانندگیها اشاره می کنم و بعضی نکات گرامری (دستوری) و مانندگیهای دیگر را برای بعد می نهم.

جالبترین واژه ای که در زبان ارمنی غربی انسان را به یاد فارسی می اندازد کلمه **an** = است که واژه فارسی آن را به یاد می آورد. جالبتر اینکه برای خود کلمه آن دو واژه **an** آن با همان تلفظ و معنی و **ayn** در کارست که این دومی در ارمنی شرقی هم متداول است در زبان ارمنی غربی شماری از واژه های موث و مذکور در مورد حیوانات بکار می روند که در ارمنی شرقی بکار نمی روند یا کمتر سابقه دارد میان بعضی از این واژه ها با واژه های فارسی و زبانهای دیگر ایران پیوندهایی در کارست در این زبان به سگ **sun** (تاری نظتس سون **sun**) گفته می شود ولی سگ ماده **kats** نام دارد در فارسی افغانستان و بعضی لهجه های دیگر به سگ کنه می گویند (شاید برای خوانندگان جالب باشد که زبان تاتی و تالشی به توله سگ کنه **keta** می گویند). آدم به یاد واژه فارسی ماده و محلی ما (به حیوانات ماده اطلاق می شود) می افتد به گوساله **ner** (زواراگ) **zovarak** (۱) و به گوساله ماده **yerinj** اطلاق می شود. زواراگ مقلوب و دگرگونی **orzga** (گاو **ner**) (ورزگا) بنظر می رسد. دانسته نیست چرا واژه **hav** که برای مرغ بکار می رود به پدر بزرگ هم گفته می شود (۲) (ها=بپدر بزرگ) ولی مادر بزرگ **am** یا **hani** (۳) خوانده می شود **am** در فارسی مصطلح است هانی از ریشه ایلامی (خوزی) **hanek** (خانک و خانک هر دو تلفظ) یعنی محبوب و عزیز است در عربی **han** (گوارا، خوب، مطلوب) و در فارسی **حنک** (نیکو) از همین ریشه آمده ریشه **hars** (عروس) مثل **ars** پهلوی و عروس فارسی در ارمنی غربی و شرقی مشترک است.

برای بازار کلمه شوگا **suka** مصروف می شود که ظاهراً از کلمه سوق عربی گرفته شده اما شکل کلمه کمتر به عربی مانند است بعلاوه در فارسی کلمه سوی و سوک (چارسو به بازار هم اطلاق شد) بکار رفته که بعضی سوق را از آن مشتق می دانند احتمال دارد شوگا شکل ایرانی جا یعنی برای بازار باشد. (۴)

برای نگارنده فارس زبان دیدن این واژه ها بسیار جالب بود **zinvor** سرباز که از ریشه **zin** یعنی اسلحه (در اصل اسلحه دار و اسلحه آور) می باشد. گتیک (همسرا) (۵)، دمک (چهره، پهلوی و فارسی ادبی دیم)، باردز **bardez** (باغ) (فارسی پردیس از ریشه فارسی باستان) گوهار (گوهر و اسم زن) بقرار اطلاع این واژه ها در ارمنی شرقی هم تداول زیادی دارند ولی یافتن آنها در کتاب ارمنی غربی برای من جالب بود تعدد واژه ها برای کلمه پسر احتمالاً ویژه ارمنی غربی است وردی (قابل مقایسه با لری و بختیاری رود یعنی فرزند و پسر و اوستایی **wrd** یعنی رشد یافتن) **oosdr** (پسر) که در فارسی برای آن

ریشه نیافتن مانع معنی پسر که در ارمنی شرقی کم بکار می رود و اصلاً ریشه گرابار دارد. واژه **dga** به معنی پسر یعنی مطلق فرزند هم بکار می رود (همانند مانوک) واژه **zavak** نیز معنی فرزند را دارد (در حوز مقایسه با زاگ در فارسی اولی و گیلکی زایی در بلوچی) واژه **doosdr** دختر در ارمنی غربی بیش از ارمنی شرقی بکار می رود.

با سپاس از خوانندگان و علاقمندان فرهنگ مشترک چنانچه اجازه و اقبال فرمایند بخشهایی از دستور زبان و خصوصیات ارمنی غربی به فارسی برگردان می شود در پایان مقاله ضمن تشکر از جناب گرمانیکی برای توجه به مقالات اینجانب و برای اینکه شبهه از حالت دو نفری خارج شود منم به توضیح بعضی مسایل نمی پردازم فقط درباره جناب دکتر کوچاریان عرض می رسانم که دانشیار طب اطفال و از کارشناسان انگشت شمار قلب کودکان هستند که با حوصله و علاقه به این دانش پرداخته اند و یقیناً از افتخارات جامعه طب اطفال و آرامنه در قلمرو پزشکی هستند ایشان زبانشناس نیستند اما به زبان ارمنی و فرهنگ مشترک علاقمند هستند سخن ایشان در این مورد که آوانگاری ارمنی را با الفبای ارمنی نشان دادند و آوانگاری لاتین جای آن را نمی گیرد براساس دیدن آوانگاری ارمنی در چند کتاب به گونه های مختلف بوده و آوانگاری استاندارد که در همه کتابها بکار رفته باشد (سه کتاب چاپ ایران و آمریکا و شوروی در دسترس و سه گونه آوانگاری بکار برده اند) در دسترس ما نبوده است اگر چنین آوانگاری استاندارد هست که آقای گرمانیکی در کتاب خود بکار نبرده اند. خوشحال می شوم آن را ارائه فرمایند. (۶) از اقبال و راهنمایی خوانندگان مجله اعم از ارمنی و غیر ارمنی پیشاپیش سپاسگزاری می کنم.

طبق اظهار جناب آقای صفی زاد، بورکه ای نویسنده کرد زبان ایرانی در ناحیه کردنشین ارمنستان (میان کردان ایزدی) واژه **haf** با تلفظ تقریبی **hav** (بین و و **f**) یعنی جغد و شخص مقدم است آیا این واژه با ارمنی **hav** (پدر بزرگ) هم ریشه نیست، و آیا با گرجی **huo** (محبوب) که بعداً لقب زنان هوو شده از یک ریشه نمی باشد. اینکه در زبان هند و اروپایی یعنی پدر بزرگ باشد با این مفهوم منافات ندارد زیرا می تواند برای پدر بزرگ بکار رود مثل عزیز جون (برای مادر بزرگ).

زیر نویسها

۱- **zovarak** از واژه **zovar** مشتق شده است پسوند **ak** پسوند تصغیر و ت است که با زبان پهلوی مشترک می باشد. خود واژه **zovar** را بیشتر می توان ماخوذ از **ezwarxa** دانست (به همان معنی) قدر مسلم این است که **ak** که همانند و معادل نیست. (۱) گرمانیکی

۲- **hav** هاو به معنی مرغ کلمه ارمنی است ریشه آن در زبان مادر هند و اروپایی به صورت **avei** است و از آن هستند: **avis** (پرنده) لاتین، **vayas**، **ve**، **vi** (پرنده) سانسکریت، **vay** زند اوستا (به معنی پرنده) در ایرلندی **avi**، **ai** (قوا).

۳- **hav** هاو به معنی پدر بزرگ واژه ارمنی است. در زبان مادر هند و اروپایی **avo** است. در لاتین **avus** (پدر بزرگ)، **avia** (مادر بزرگ) در ایرلند قدیم: **ave**، **have**، **alan**، **oheim**، **ohm**، هلندی **oom**. (۱) گرمانیکی

۴- **hani** یا **han** به معنی مادر بزرگ، واژه ارمنی است. واژه ریشه زبان مادر هند و اروپایی **an** ماخوذ است که به معنی مادر پدر یا مادر مادر می باشد. در لاتین **anus** (پیرزن) یونانی **axis** (مادر پدر، مادر مادر) آلمانی **ahn**، **ahne** پروسی قدیم **ane** (مادر بزرگ) افغانی **ana**. این یک واژه نام آوایی است (در زبان کودکان) در زبان ارمنی **h** اضافه شده همچون **hav** (پدر بزرگ) (لاتین **avus**). (۱) گرمانیکی

۵- در مورد واژه **suka** آجاریان در صفحه ۵۲۲ جلد سوم فرهنگ ریشه شناسی ارمنی می نویسند: از شکل **suqa** آسوری که واژه بومی سامی است مشتق شده مقایسه شود با سوق عربی، **sakuat** خشکی و غیره. ریشه همه آنها احتمالاً **suqu** آسوری است. (۱) گرمانیکی

۶- **kin** کین به معنی زن. واژه ارمنی است. ریشه هند و اروپایی آن **gwn** و **gwen** است. در سانسکریت **gna**، **janir**، **jani** اوستایی، (شکل قدیمی) فارسی **zan** پهلوی **zan**، **zin**، فارسی قدیم **genna**، **genno**. در کل به معنی زاینده است. در ارمنی فعل زاینده (ارمنی **dsoneel**) ز زاینده **(dsin)** و در زبان اروپایی واژه های **(gen, generale)** و غیره موجودند. (۱) گرمانیکی

۷- آقای سجاده به کتاب اینجانب را بدقت ملاحظه نکرده اند. لطفاً برای آگاهی از آوانگاری ارمنی به صفحات ۱۷ و ۱۸ از ارمنی بیاموزیم. تهران ۱۳۶۳ انتشارات بخش ارمنی بنیاد نیشابور مراجعه شود. (۱) گرمانیکی